

کتیبه‌های یادمانی سده‌های نخست اسلامی در ایران و ماوراءالنهر

کتاب

Sheila S. Blair, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, Leiden, Brill, 1992.

۱. سخن نویسنده^۲

وجود کتیبه در بناها از ویژگی‌های معماری اسلامی محسوب می‌شود. در این کتاب، ۷۹ کتیبه یادمانی موجود در محدوده ایران فرهنگی در طی پنج قرن اول اسلامی بررسی شده است؛ دوره‌ای که در آن، همه شیوه‌های اصلی خطوط به کار رفته است. کتیبه‌های احداثیه، یادگارها، و کتیبه‌های تدفینی تحت پوشش این کتاب به لحاظ مکانی در محدوده‌ای بین عراق و آسیای مرکزی واقع شده است. این کتیبه‌ها در ابتدا همگی به زبان عربی نوشته و زینت بخش آثار معماری شده است؛ و در آنها می‌توان اطلاعاتی دال بر کارکرد بناها نیز مشاهده کرد.

در مقدمه کتاب، مباحثی از قبیل اطلاعات عمومی و وقف و توسعه سبک شناختی مطرح شده؛ سپس هر کتیبه جداگانه، با درج ملاحظات درباره آن، ترجمه و به تفصیل معرفی شده است. در این معرفی، هر کتیبه در زمینه سابقه و زمینه تاریخی‌اش تجزیه و تحلیل شده است. این قسمت به منظور تطبیق و مستندنگاری برای خوانندگان با ۶۷ عکس و طرح همراه شده است.

۲. معرفی کتاب

کتاب کتیبه‌های یادمانی صدر اسلام در ایران و ماوراءالنهر مرکب از یک مقدمه، ۷۹ مدخل اختصاصی برای کتیبه‌ها، فصل مربوط به تصاویر و طرحها و کتاب‌شناسی است. پرفسور شیلا بلر در مقدمه کتاب ابتدا به توضیح روش این تحقیق می‌پردازد و سپس وارد مباحث اصلی می‌شود. این پژوهش در محدوده مکانی مشخصی، یعنی ایران فرهنگی شامل محدوده کنونی ایران و قفقاز و آسیای مرکزی و ماوراءالنهر و افغانستان بخشهایی از ترکیه و عراق، در دامنه زمانی صدر اسلام تا سال ۵۰۰ق به انجام رسیده است. در مقدمه، کلیاتی نیز درباره محتوای کتاب و مباحثی از جمله متون تاریخی، کتیبه‌های دینی، زبان و سبک نگارش کتیبه‌ها عرضه شده، که چکیده‌ای است از نتایج تحقیق موضوع این کتاب.

می‌شود، که در آنها واژگان قبه، بقعه، مشهد، تربه، مضجع، قبر، و قصر به‌کار رفته است.

یکی دیگر از اجزای کتیبه القاب و صفتهاست که بیشتر برای افراد مرتبط با کتیبه به‌کار رفته است؛ از جمله: جلال، جلیل، الامیر، السید، السیدالاجل، المعالی، ملک‌الملوک، بهاء‌الدوله، ضیاء‌الدوله، غیاث‌الاقه، محی‌دین الله، غیاث عباد الله، معزّ امیرالمؤمنین، مولی امیرالمؤمنین، یمین امیرالمؤمنین، رکن‌الاسلام و المسلمین. با بررسی القاب شخص معینی در چند کتیبه مربوط به او می‌توان اطلاعاتی در زمینه تغییر مقام و منزلت او به دست آورد و هم آنها را ملاک گاه‌نگاری قرار داد. مثلاً ابو‌حرب بختیار وقتی که به ساخت مقبره معروف به پیرعلم‌دار دستور داد، به نسبت پدرش که از او در کتیبه با لقب «حاجب» یاد شده، منزلتی فروتر داشته؛ زیرا برای خود از هیچ لقبی استفاده نکرده و مدتی بعد در زمانی که دستور احداث منار مسجد تاریخانه را در دامغان داده، لقب «الحاجب الجلیل» را برای خود به‌کار برده و اندکی بعد، در هنگام احداث مناره سمنان، به اوج قدرت رسیده و در کتیبه مناره از او با لقب «الامیر الجلیل السید» یاد شده است. یا در کتیبه‌های باقی‌مانده از عضدالدوله دیلمی، لقب او در نخستین کتیبه‌اش در تخت جمشید، مورخ ۳۴۴ق، «الامیر ابوشجاع عضدالدوله» است، و در کتیبه‌های بعدی‌اش در اواخر همان سال «الامیر الجلیل عضدالدوله فناخسرو» است، و در کتیبه‌ای در کوفه، مورخ ۳۶۳ق، «تاج‌الملله شاهنشاه ابی شجاع فناخسرو لازال عضدالدوله». این القاب به‌خصوص در دوره سلجوقیان به حدی اهمیت دارد که بود یا نبود لقبی در تاریخ‌گذاری هر کتیبه نقشی تعیین‌کننده دارد. این کتیبه‌ها به لحاظ مردم‌شناسی و تاریخ اجتماعی نیز مهم است؛ مثلاً در سه کتیبه در دژ بهمن در سمیرم، نام سه نفر از یک خانواده، از جد تا نوه، به نامهای خازم بن محمد (بی تاریخ) و خازم بن محمد بن خازم (به تاریخ ۲۶۵ق) و محمد بن یوسف بن خازم (به تاریخ ۳۰۹ق) ذکر شده است. در این کتیبه‌ها نام اسلامی سه نسل در زمانی دیده می‌شود که در ایران تغییر دین از زرتشتی به اسلام مطرح است. حتی از کتیبه‌ها اطلاعاتی از قبیل مشارکت زنان در امور ساخت بنا به دست می‌آید؛ چنان که در برخی از کتیبه‌ها از زنان خیر دامنه تنوع نامهای مکان در کتیبه‌های احداث مقابر دیده

در بخش مربوط به معرفی کتیبه‌ها، از روشی یکسان استفاده شده؛ بدین ترتیب که در هر مدخل شش نکته لحاظ شده است: (۱) بیان اطلاعات مختصری درباره خط کتیبه و ویژگیهای آن از قبیل ساده، مُزَهَر، مُشَجَّر، مُوزَق، مُعَقَّد؛ (۲) موقعیت؛ (۳) گونه‌شناسی کتیبه (یادمانی، یادگاری، کتیبه احداثیه، وقفیه)؛ (۴) کتاب‌شناسی؛ (۵) شماره طرحها و تصاویر؛ (۶) متن؛ در این قسمت اصل متن قرائت شده، ترجمه آن و توضیحات مبسوطی درباره ملاحظات تاریخی، خط به‌کاررفته و تجزیه و تحلیل ویژگیهای آن عرضه شده، که با پی‌نوشت‌های مربوط پایان می‌پذیرد.

این کتاب نتیجه تحقیقی جامع درباره کتیبه‌های ایران از زمان پیدایش تا سال ۵۰۰ق محسوب می‌شود، که به‌خصوص از نظر روش‌شناسی و نتایج حاصل از آن و بررسی سیر تحول خطوط اسلامی بسیار مهم است. از این رو، برای آشنایی بیشتر با کتاب، خلاصه آن را (با ترجمه قسمتهایی از مقدمه) در پی می‌آوریم.

۳. خلاصه کتاب

۷۹ کتیبه بررسی شده در این کتاب در مساجد، مقابر، کاخها، مناره‌ها، حصارها، پلها، بندها، و آب‌انبارها قرار دارد. شایان ذکر است که از سنگ مزارها، با توجه به کثرتشان، به‌صورت موردی برای مقایسه و تطبیق بهره‌گیری شده است.

۱-۳. متون تاریخی

در ایران، طبق سنتی قدیمی، دولت‌مردان یادگارهایی در تخت جمشید و نقش رستم حک می‌کردند. آنان این کار را نه برای ثبت حضوری ساده، بلکه بدین منظور می‌کردند که در اذهان مردم، میان حکومت آنان و سابقه شکوه‌مند گذشته پیوندی برقرار شود. این یادگارها تابع الگویی خاص است، چنان که با فعل «حَضَرَ» یا «تَرَلَّ» به معنای «حضور یافت» یا «فرود آمد» آغاز می‌شود؛ حال آنکه در سنگ مزارها عبارت با «هَذَا/ هَذِهِ قَبْر...» شروع می‌گردد. البته «هذه» در کتیبه‌های مربوط به بناها نیز کاربرد دارد.

دو فعل ثابت در زمینه کتیبه‌های احداثیه «بَنَّا» و «أَمَرْنَا» است که قبل از آن «ما» و «مِمَّا» می‌آید. بیشترین دامنه تنوع نامهای مکان در کتیبه‌های احداث مقابر دیده

دختر جغری‌بیگ، که بانی بناهای متعددی بوده است. همچنین از کتیبه‌ها شیوه و سهم مشارکت بانیان از نظر مالی و پشتیبانی، با توجه به واژه‌هایی چون «بسی»، «من مال»، «بأمر و من مال» و «علی‌ید»، به دست می‌آید نکته مهم دیگر نام هنرمندان و القاب و نام حرفه آنان است؛ از جمله: بنا، حداد، تجار، مهندس.

از نظر گاه‌نگاری، معمولاً در کتیبه‌ها یک تاریخ، آن هم به سال هجری قمری، ذکر شده و گاه نام ماه و روز نیز به عربی آمده است. یک استثنا اینکه در کتیبه عباس، شاهزاده قراخانی، علاوه بر روز و ماه و سال قمری، نام دی‌ماه ایرانی و سال خورشیدی و نام ماه رومی کانون نیز به چشم می‌خورد.

۲-۳ کتیبه‌های دینی

متون دینی، شامل قرآن، حدیث، دعا و ذکر و پند، که در کتیبه‌ها به‌کار رفته اطلاعات خوبی را، به‌ویژه درباره کارکرد بنا، در اختیار می‌گذارد. دو عبارت مهم و عمومی قرآنی به‌کار رفته در بناها «الملك لله» و «آیه الکرسی» است، که مبین شکوه و عظمت اسلام است. دیگر متون قرآنی که در ادامه ذکر می‌شود، با توجه به محتوای شان، به کارکرد بنا نیز اشاره می‌کنند: آیه ۱۸ سوره «توبه»، «انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوة و اتى الزكوة و لم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين»؛ آیات ۷۸ - ۸۱ سوره «اسراء»، «اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قرآن الفجر، ان قرآن الفجر كان مشهودا؛ و من الليل...»؛ و در مقابر، آیه ۲۵ سوره «الرحمن»، «كل من عليها فان»؛ آیه ۳۵ سوره انبیاء، «كل نفس ذائقة الموت»؛ آیه‌های ۱۱۵ - ۱۱۸ سوره «مؤمنون»، «افحسبتم انما خلقنكم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون؛ فتعلی الله...»؛ آیه‌های ۵۳ و ۵۴ سوره «زمر»، «و انیبوا الی ربکم و اسلموا له من قبل ان یأتیکم العذاب ثم لا تنصرون؛ و اتبعوا احسن...».

یکی از آیات اختصاصی به‌کار رفته در برخی از بناهای قرون میانه اسلامی آیات ۱۶- ۱۸ سوره «آل عمران» است: «الذین یقولون ربنا اتنا امننا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار. الصابرين و الصادقین و القانتین و الْمُتَّقین و المستغفرین بالاسحار. شهد الله أنه لا اله الا هو و...» با توجه به اینکه این آیات از آیات مهمی است

که معتزله در پای‌بندی به اصول خود به آنها استشهد می‌کردند، حضور آنها بر سردر مسجد جامع جورجیر اصفهان از این حکایت دارد که مسجد جورجیر به معتزله تعلق داشته است. این آیات در بناهای دیگری، از جمله محراب شیر کبیر در افغانستان، کوشک هشت‌گوش نظنز، مناره ترمذ، محراب مسجد پامنار زواره، و منار ریاط ملک نیز دیده می‌شود. در برخی موارد، از متون قرآنی در جهت اهدافی خاص استفاده می‌شد؛ مثلاً در جهت جنوبی مسجد جامع اصفهان کتیبه‌ای است که در تاریخ ۴۷۹- ۴۸۰ق در مسجد نهاده‌اند و حاوی آیات ۱- ۷ سوره «مؤمنون» به خط نسخ جلی است. اضافه کردن این کتیبه با مضمون خاص آن در مسجدی واقع در پایتخت دیلمیان اهل تساهل و شیعه‌مذهب، که در آن زمان سلجوقیان سنی‌مذهب جزم‌اندیش جانشینشان شده بودند، به معنای پایان اندیشه‌های مذهبی پیشین و سيطرة مذهبی سخت‌گیر و جدید است. به علاوه، ارتباط انتزاعی بین کلمه «ملکوت» در این آیه و نام ملک‌شاه و کلمه «ایمان» در آیه با لقب ملک‌شاه، یعنی «عین خلیفه»، را نیز باید در انتخاب این آیه دخیل دانست. در این کتیبه‌ها می‌توان نشان‌گرهای مذهبی را نیز دنبال کرد؛ مثلاً در آیه ۳۳ سوره «احزاب» عبارت «اهل البیت» آمده، که از عبارتهای مهم مستند شیعیان است و حتی در صورت نبود هیچ اطلاعات دیگری، به صرف بودن این آیه در کتیبه‌ای درمی‌یابیم که آن مکان به شیعیان تعلق داشته است؛ مثل مسجد جامع نایین. عبارت دیگر «طیّین الطاهرين» است، که باز از عبارتهای مهم شیعیان است و از دخالت اهل تشیع در احداث مکانی حاوی کتیبه آن خبر می‌دهد. از سوی دیگر، مثلاً در مسجد محمدیه نایین، جمله‌ای نوشته شده که در آن بعد از نام پیامبر، به ترتیب منزلت نام این‌ت‌تن آمده است، که از تعلق آن به سنیان حکایت می‌کند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر، سعد و قاص، سعید بن زید، عبدالرحمن بن عوف.

۳-۳ زبان

زبان رسمی کتیبه‌ها عربی است. در کتیبه‌ها از قاعده‌ای خاص در زبان عربی، چه از نظر شیوه بیان و چه از نظر محتوا، تبعیت می‌کردند؛ اما به تدریج زبان فارسی جای خود را در کتیبه‌ها باز کرد. یکی از قدیم‌ترین شواهد آن

کتیبه‌ای در تخت جمشید به تاریخ ۳۴۴ق از عضدالدوله دیلمی است، که لقب فارسی وی، «شاهخسرو»، پس از نام عربی‌اش ذکر شده و تداعی‌کننده نام خسرو، پادشاه ساسانی، در اذهان به منظور ایجاد ارتباطی میان این امیر دیلمی با شاهان پرجبروت ایران باستان است. مدارک موجود نشان می‌دهد که زبان فارسی در ابتدا در کتیبه‌های احدثیه در شرق ایران رواج و از آنجا به دیگر نقاط گسترش یافته است. قدیم‌ترین نمونه به دست آمده در این زمینه کتیبه‌ای به تاریخ حدود ۴۴۷-۴۵۱ق در سفیدبلند افغانستان است، که چند بیت شعر فارسی در مدح محمد بن نصر قراخانی را شامل می‌شود. نمونه دیگر کتیبه رباط ملک است که دو بیت شعر فارسی در بر دارد. سنت به کار بردن شعر در کتیبه‌های احدثیه به سرعت در قلمرو غربی جهان اسلام — از جمله در آناتولی، پالمو، مسینا، الحمرا — به خصوص در بناهای غیردینی گسترش یافت.

نکته دیگر به کار بردن خط و زبان پهلوی در منطقه دامنه‌های البرز در جنوب دریای خزر در مقابر برجی لاجیم و رسکت و رادکان غربی است که از رواج فرهنگ و سنتهای دوره ساسانی در قرون اولیه هجری در این مناطق حکایت می‌کند. جداافتادگی این مناطق به سبب وضع جغرافیایی آنهاست که عملاً باعث جداشدنشان از دیگر مناطق ایران، هم به لحاظ مکانی و اقلیمی و هم سیاسی، شده است.

۳-۴. شیوه

کتیبه‌های ایران در دوره مورد بحث از نظر خط ساده و زاویه دار کوفی آغاز شد. با توجه به اینکه بخش گسترده‌ای از سطح کتیبه‌ها در اطراف حروف فضای خالی داشت، به منظور افزایش سطح حروف و همچنین تأثیر بصری و زیباشناختی آنها، در رئوس و سپس بدنه حروف تغییراتی دادند. به استناد سنگ مزارهای قرون اولیه اسلامی در مصر، شاید این تحول از غرب جهان اسلام آغاز شده باشد. خط کوفی به کاررفته در آثار مذکور با افزودن تزیینات گل‌وبرگ به نوک حروفها دگرگون شد. تأثیر تداوم استفاده و تحولات مربوط به آن را می‌توان در مسجد الازهر و الحکیم در قرن چهارم به وضوح دید. در ایران نیز از این تزیین استقبال شد و شیوه‌هایی چون کوفی مشجر، کوفی مژگر، کوفی مؤرّق از آن مشتق گردید. در ادامه این

تحول، برخی از حروف، به خصوص حروف ترکیبی مثل «ال»، «لا»، «کا»، «ها»، «دا»، «ذا»، در قسمت رأس و بدنه در هم تابیده ارائه شد و به کوفی گره‌دار (مُعَقَّد) شهرت یافت. این کوفی گره‌دار از اشکال اولیه‌اش که در برخی سنگ مزارهای سیراف و سکه‌های دوره‌های سامانی، آل بویه، حسنویه، غزنویان، و قراخانیان مشهود است، به اشکال پیچیده‌تر مثل نمونه موجود در بخش داخلی بقعه پیرعلم‌دار دامغان، کتیبه دوازده امام یزد، کتیبه برج رادکان غربی، و کتیبه مناره ترمذ رسید و بیشتر حروف را در بر گرفت. در ادامه این روند در تحولی دیگر که در برج مهمان‌دوست شاهد آنیم، گره از حروف مماس با کرسی فرضی برداشته شد و به حروف عمودی، آن هم در نواری کاملاً جداگانه و تزیینی در قسمت فوقانی متن محدود گردید.

تحولی دیگر در زمینه خطوط کتیبه‌ها تغییر از خط کوفی به خطوط مستدیر مثل نسخ است. این تحول در ابتدا از گرد کردن برخی حروف مثل «ر» و «ز» و «م» و شکستن قاعده هندسی و خشک کوفی در آنها در کتیبه‌های کوفی تنگ براق، کتیبه مناره گرگانج، و یادگارهای تخت جمشید آغاز شد. شایان ذکر است که در یادگارهای یادشده، افزودن نقطه به حروف نقطه‌دار کنونی نیز تحول مهم دیگری در در زمینه نگارش است. استقبال از خطوطی که دور آنها بیشتر از سطحشان بود تدریجاً در نیمه دوم قرن پنجم به رواج خط نسخ در بناهای اسلامی انجامید؛ از جمله نمونه‌های آن می‌توان از کتیبه‌های مسجد پامنار زواره و گنبد جنوبی مسجد جامع اصفهان و مقبره حکیم ترمذی یاد کرد.

۴. سخنی درباره نویسنده

خانم شیلا بلر در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸ در مونترئال کانادا به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۰، دوره کارشناسی تاریخ هنر را در دانشگاه توفتس به پایان رساند. درجه دکترای خود را در سال ۱۹۸۰ در رشته هنرهای ظریف و مطالعات خاورمیانه از دانشگاه هاروارد، پایان‌نامه «مجموعه آرامگاهی نظنز، ایران» به راهنمایی آگ گرابار و رناتا هولود، دریافت کرد. او اکنون صاحب کرسی هنرهای اسلامی و آسیایی دانشگاه ژان کالدرود بوستون و کرسی هنر اسلامی حمد بن خلیفه دانشگاه کومون ولس ویرجینیاست. تخصص او

در هنرهای اسلامی، به خصوص هنرهای ایران و آسیای مرکزی، هنر، معماری و شهرسازی دوره ایلخانی و خط و کتابت است.

او ده عنوان کتاب و بیش از ۲۰۰ عنوان مقاله در مجلات و دانشنامه‌ها دارد و برای تألیفهایش چند جایزه بین‌المللی برده است. برخی از کتابهایش عبارت است از: اسلام، هزار سال قدرت و ایمان، سال ۲۰۰۰، مشترک با همسرش جانانان بلوم.

تصاویر حماسی تاریخ معاصر، ۱۹۸۰

مجموعه آرامگاهی نطنز، ایران، ۱۹۸۶

تصاویر بهشت در هنر اسلامی، سال ۱۹۹۱

هنر و معماری اسلامی، مشترک با جانانان بلوم، ۱۹۹۴

کتابهای اسلامی، ۱۹۹۸، برنده جایزه بهترین کتاب منتشرشده در بریتانیا درباره مطالعات خاورمیانه در «نمایشگاه کتاب انگلیس و کویت» در کویت.

هنرهای اسلامی طی سدهای ۱۸۰۰-۱۲۵۰، مشترک با

جانانان بلوم، ۱۹۹۷

خطاطی اسلامی، ۲۰۰۶

جنبه دنیوی هنر اسلامی با توجه به مجموعه دیوید،

مشترک با جانانان بلوم، ۲۰۰۶ □

پی‌نوشتها:

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی و دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران

۲. این چند سطر را خانم پرفسور شیلا بلر برای گلستان هنر نوشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی